

نگره مقاصد شرعی و رسالت مادری

عزت‌السادات میرخانی*

نهلہ غروی نائینی**، فاطمه همدانیان***

چکیده

مادر کانون پیوند در خانواده است. جایگاه او در طبیعت، جایگاهی ریشه‌ای است که خلقت و فطرت عالم با آن عجین شده است و این قانون هستی، قابلیت تغییر ندارد و براساس این جایگاه ریشه‌ای، کرامتی خاص برای او مقرر کرده که در وجوه عام خود از وی نفی ضرر و حرج و اکراه کرده است. اسلام در رأس همه ادیان، توجه خاصی به نقش محوری این وجود مبذول داشته است. اگرچه متون و نصوص مبنی بر رویکردها و اصول کلی درباره مادر است، جامعه معاصر نیاز محسوسی به واکاوی جایگاه و تأثیر مادر در قالب‌های خردتر دینی برای ارائه الگوهای دست‌یافتنی دارد. در این مقاله، در راستای پاسخ به این که رسالت مادر چگونه در حوزه شرع تبیین می‌شود و آیا این رسالت، قابلیت سطح‌بندی در این حوزه را دارد یا خیر و همچنین نقطه محوری این رسالت بر اهرام کدام‌یک از عوامل استوار است، سعی داریم جایگاه مادر و رسالت او را در حلقه محکم و ناگسستنی مقاصد در شریعت بررسی و رسالت او را در سه سطح کلان، میانه و خرد در حوزه شرع ارائه کنیم. بدین ترتیب، در بخش اول به نگره مقاصد شرعی و در بخش دوم به رابطه این نگره با مادری (شرح رسالت مادر در مصالح ضروری پنج‌گانه) می‌پردازیم. برحسب بررسی‌های نگارندگان، نتیجه می‌گیریم که مادری در دایره توانمندی‌های زن قرار گرفته و این، عین عدالت است که زن بنا به جهازی که دارد، از جایگاه و نقش

* استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس nc.mobin@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس naeeni_n@yahoo.com

*** کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس hamedanianfa@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۲

مادری برخوردار می‌شود. و نیز طهارت مادر در حفظ مصالح پنج‌گانه نقطه محوری در رویکرد اسلام و مقاصد شرع است؛ چرا که مادر امانت‌دار الهی و حائز پایگاهی ارزشی و یکتا در حفظ انسجام خانواده است.

کلیدواژه‌ها: رسالت مادری، مادر، مقاصد، شرع، اسلام.

مقدمه

در طول تاریخ زندگی بشر، مهم‌ترین نقش زنان، که به جنسیت آنان مربوط می‌شود، فرزندآوری و مادری آنان است. بشر در گذار از زندگی سنتی به مدرن، پیوسته خواسته در طریق تسهیل زندگی گام بردارد و در جایگزینی وسایل به پیشرفت‌هایی دست یابد، لیکن در این گذار به خطاهایی دست زده که آسیب‌های فراوانی فراروی زندگی بشر نهاده است و در این سیر تکاملی، گاهی از توجه به وجود و جایگاه و تأثیر مادر غافل شده و با دیده اغماض، به آن نگریسته است.

درواقع، تحولات در جایگاه اجتماعی زن موجبات آن را فراهم آورده که حقیقت مادری در جامعه بشری دستخوش پیچیدگی‌های مدرنیته شود. امروز ما با خانواده‌های ناقص در سراسر دنیا مواجه هستیم که آسیب‌زاترین آن‌ها، خانواده‌هایی‌اند با فقدان مادر. خانواده حائز کارکردهای جان‌نشین‌ناپذیری است؛ کارکردهایی همچون تولیدمثل و بقای نسل، تأمین طبیعی نیازهای عاطفی و روانی اعضا، تربیت و رشد فطرت آحاد، مراقبت از اعضای خردسال و حمایت از اعضای کهنسال، تحکیم ارزش‌ها، انتقال فرهنگ و تلقین و تعلیم فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری. درواقع، همه بررسی‌ها و مطالعات نیز به پایگاه محوری مادر در اعمال این کارکردها اشاره کرده‌اند.

بنابراین این‌گونه به‌نظر می‌آید که تثبیت جایگاه خانواده و بهبود اختلالات اجتماعی، بدون ارجاع به رسالت مادری زن، تلاشی ناقص و کم‌رنگ خواهد بود. لذا توجه تام به مطالبات حقوقی و بی‌توجهی به نقش و رسالت و تکلیف مادری، سبب نادیده‌انگاری تأثیرات محوری مادر در جوامع خواهد شد. و این، از دغدغه‌های امروز اندیشمندان متفکر در موضوعات مربوط به مادر است. لذا در سیستم قانون‌گذاری اسلامی که تفاوت‌ها در تبیین و تقسیم وظایف به اعتبار رعایت جایگاه و تکالیف مرد و زن بررسی می‌شود؛ زن نیز به تناسب جایگاه، نقش و رسالت مادری‌اش بسیار باارزش و محترم است و اغماض و نادیده‌انگاری به او لحاظ نشده است.

در سیستم قانون‌گذاری اسلامی، برای هر کس حقوقی متناسب با وضعیت طبیعی او به نحو احسن در نظر گرفته شده است. قانون‌گذاری اسلامی برای زن در حیطه نقش مادری کارکردهای حفظ خانواده، حفظ نسل، حفظ کرامت و نفس، و حفظ دین را هم در همسر و هم در فرزندان می‌شناسد. در واقع، اسلام کیان زن را در کیان خانواده جای می‌دهد و از قبل این جانشینی، نظام سامان‌یافته‌ای از الگوهای جزئی ارائه می‌کند که ختم به الگویی منسجم، کلی و با قابلیت سطح‌بندی در حوزه‌های زندگی فردی و جمعی می‌شود تا بدین وسیله زن بر جایگاه خود در نظام خلقت و قوف یافته رسالت بالقوه خویش را با تکیه بر این سامان به فعلیت برساند.

نگره مقاصد شرعی

بحث مقاصد شریعت، نزد اندیشمندان متأخر اهل سنت، سابقه دیرینه‌ای دارد؛ اما نخستین اندیشمندی که آن را به صورت مضبوط درآورد و علم‌المقاصد را در جایگاهی فراتر از علم اصول فقه قرار داد ابراهیم بن موسی، مشهور به الشاطبی، در کتاب *المواقفات فی اصول الشریعة* بود. از دیگر صاحب‌نظران این عرصه، به این شرح‌اند: محمد بن محمد الغزالی طوسی در کتاب *المستصفی من علم الاصول*، ابن عاشور در کتاب *مقاصد الشریعة الاسلامی*، علّال الفاسی در کتاب *مقاصد الشریعة و مکارمها*، و ابن سبکی.

بینش علما و متفکران اسلام به آفرینش، نسل، جامعه و تاریخ، بینشی اندام‌واره است. همه اجزا، کار خود را انجام می‌دهند و هر جزء با اجزای دیگر، روابطی معین دارد که این بینش از توجه به فلسفه و حکمت اسلامی ناشی می‌شود. محور اصلی حکمت الهی به معنای اخص نیز تأکید بر سلسله‌مراتب در موجودات است؛ به‌گونه‌ای که هر مرتبه آثار وجودی مخصوص به خود را دارد که در ارتباط متقابل با سایر مراتب وجود کلّیتی به نام نظام آفرینش را می‌سازند.

در کنار فلسفه و حکمت اسلامی، توجه به بازسازی نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی اسلام از میان احکام متنوع و متفرق فقهی در کنار تأمین اهداف و مقاصد اصلی و اساسی شریعت اسلام همواره مورد عنایت و اهتمام اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اسلامی قرار گرفته است. در این راستا، اگرچه تئوری بنیادین و کاربردی المقاصد اولین بار به صورت بدعی در کلام شاطبی، اندیشمند اهل تسنن، آمده ولی تجلیات آن به صورت علمی و عملی در کلام امامان معصوم ما به صورت احکام کاربردی در زندگی بشر تبلور یافته که در ادامه به هریک از شعبات این بحث پرداخته می‌شود.

نگره مقاصد شرعی در تفکر ائمه (ع) و متفکران شیعی

در راستای توجه به مقاصد شریعت، ائمه نیز تأکیدات خود را بر آن مبذول داشته‌اند. در سخنان امام هشتم به فضل بن شاذان به صورت یک تئوری قابل طرح، که بایستی در جعل احکام مدنظر اندیشمندان قرار گیرد، آمده: «إن سال سائل فقال: أجبني هل يجوز أن يكلف الحكيم عبده فعلا من الأفاعيل لغير عله و لا معنى؟ قيل له: لا يجوز ذلك لأنه حكيم غير عابث و لا جاهل. فإن قال: فأخبرني لم كلف الخلق؟ قيل: لعل. فإن قال: فأخبرني عن تلك العلل، معروفة موجودة هي؟ أم غير معروفة و لا موجودة؟ قيل: بل هي معروفة و موجودة عند أهلها» (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۸۵/۶). در این جا بیان امام (ع) مشعر به یک نکته اساسی است و آن این که هر انسان اندیشمندی حق دارد از علل و اهداف و اغراض شریعت در نوع قانون گذاری، چه کلان و چه خرد، سؤال کند؛ چنانچه مکتب ائمه، به نام مکتب آزادی اندیشه و رسوخ علمی در میان سایر ملل، معروف است.

استنباط از ریشه «نبط» به معنای جست و جو و خروج آب گوارا از دل چاه است و ملازم با بطن گرایبی است؛ پس بر فقیه لازم است در استخراج و استنباط حکم، علاوه بر دقت‌های خاص و خرد در موضوع و حکم به غایت‌های کلان و حاکم بر قوانین توجه تام داشته باشد.

در آیات قرآن، همچنین در کلام ائمه اطهار مثل فلسفه عبادات در خطبه فدکیه و هم در سخنان فقیهان بزرگ دنیای شیعه مثل صدوق، که در همان قرون اولیه و مقارن با زمان غیبت صغری می‌زیستند، توجه خاصی به مبحث مقاصد شده است. در این راستا، در *علل الشرایع* شیخ صدوق که از کتب آغازین فقهی است به احکام شرعی و اهداف و اغراض شریعت پرداخته شده و از سوی دیگر، این اثر جزو منابع اولیه استنباط بوده و در آن کراراً بحث از اغراض و اهداف و نیز بیان علت و حکمت و مقاصد شده است؛ حتی در عبادات که ملاک در آن تعبدی است و مناطات به صورت کشف علت تامه منقح شده است (میرخانی، ۱۳۸۲: ۳۶-۳۷).

امام خمینی (ره) در جایگاه یک فقیه عصر نیز توجه خاصی به حیطة مقاصد مبذول داشته‌اند. ایشان فلسفه سیاسی اسلام و سایر ادیان الهی را تشکیل نظام عادلانه اجتماعی می‌دانند که جز با تشکیل حکومت امکان پذیر نیست.

امام خمینی (ره)، مسئولیت فقهای عادل را هم در زمان غیبت، استقرار نظام اجتماعی اسلام می‌دانند:

همان‌طور که پیغمبر اکرم (ص) مأمور اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود فقهای عادل هم بایستی رئیس و حاکم باشند، احکام را اجرا کنند و نظام اجتماعی اسلام را مستقر گردانند ... (موسوی خمینی، ۱۳۸۳: ۵۹).

امام خمینی در توصیه به نسل جوان بر اهتمام آنان در معرفی نظامات اسلام تأکید ورزیده، چنین می‌فرماید:

اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند ... تبلیغ کردند که اسلام دین جامعی نیست، دین زندگی نیست، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد ... شما آقایان، که نسل جوان هستید و ان‌شاء‌الله برای آینده اسلام مفید خواهید بود، لازم است در طول حیات خود در معرفی نظامات و قوانین اسلام جدیت کنید.

همچنین ایشان درباره رابطه فقه و اعمال اجتماعی می‌فرمایند:

اسلام تمام جهاتی که انسان برای آن احتیاج دارد، برایش احکام دارد. احکامی که در اسلام آمده است، چه احکام سیاسی، چه احکامی که مربوط به حکومت است، چه احکامی که مربوط به اجتماع است، چه احکامی که مربوط به افراد است، چه احکامی که مربوط به فرهنگ اسلامی است، تمام این‌ها موافق با احتیاجات انسان است (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۲/۲۳۲).

از دیگر متفکران اسلامی معاصر، که تلاش تحسین برانگیزی در وصول به دیدگاه‌های کلی و اساسی اسلام داشت، استاد مرتضی مطهری بود. مهم‌ترین اثر ماندگار ایشان در زمینه نظام‌سازی است. شهید مطهری در کتاب خود، *نظام حقوق زن در اسلام*، با بررسی احکام و قوانین مربوط به ازدواج، طلاق و حقوق اقتصادی زن از منظر اسلام کوشیده است با ارائه یک نظام حقوقی از قوانین مرتبط با زنان، اصول اساسی و خط‌مشی کلی اسلام را در این زمینه معرفی کرده پاسخ‌گوی سؤالات و شبهات این عرصه باشد.

ایشان یکی از علل ماندگاری و انعطاف‌پذیری سیستم قانون‌گذاری اسلام را انطباق احکام و قوانین آن با فطرت بشر دانسته بیان می‌دارند:

مسئلاً یک قانون جاودانه اگر بخواهد بر تمام صور متغیر زندگی احاطه نماید و راه حل تمام مشکلات را ارائه دهد و هر مشکلی را به صورت خاصی حل نماید، باید از نوعی دینامیسم و تحرک و از نوعی انعطاف بهره‌مند باشد، خشک و جامد و انعطاف‌ناپذیر نباشد تا بتواند بر این مشکل عظیم فایق آید. مادر و منبع همه رازها و رمزها، روح منطقی اسلام و وابستگی کامل آن به فطرت و طبیعت انسان و اجتماع و جهان است (مطهری، ۱۳۵۴: ۷۱-۷۲).

نگره مقاصد شرعی در اندیشه امام محمد غزالی (د ۵۰۵ق)

غزالی بر آن است مقاصد شارع پنج چیز است؛ از این قرار که دین، جان، خرد، نسل و ثروت مردم را حفظ کند. هر آنچه در بردارنده حفظ اینها باشد مصلحت است و هر آنچه اینها را از بین برد، مفسده است و ترک آن مصلحت.

غزالی آورده است:

مصلحت در اصل، جلب منفعت و دفع ضرر است؛ ولی مقصود ما این نیست، چون جلب مصلحت و دفع ضرر مقصود خلق است و صلاح خلق در دست یافتن به مقاصدشان است. بلکه مراد ما از مصلحت، حراست از مقصود شریعت است و مقصود شرعی پنج امر است: حفظ دین، جان، عقل، نسل و ثروت (الغزالی الطوسی، ۱۴۱۷: ۲۸۶).

غزالی همچنین مصالح شریعت را در سه رتبه قرار می‌دهد: ضروریات، حاجیات، تحسینات. او مقاصد خمس را در ضروریات جای می‌دهد (همان).

بدین ترتیب فرمول اساسی مقاصد شریعت شامل پنج چیز است: حفظ دین، نفس، عقل، نسل، اموال مردم.

ابن سبکی (د ۷۷۱ق) علاوه بر پنج مقصد غزالی، حفظ آبرو را نیز به اهداف اضافه می‌کند و می‌گوید: «ضروری مانند حفظ دین، پس از آن نفس و پس از آن عقل، سپس نسب و پس از آن مال و عرض است» (شاطبی، ۱۴۲۳: ۸۳).

توجه به اهمیت مقاصد به عالمان معاصر نیز سرایت کرده است. در مثل علال الفاسی مقاصد را مرجعی همیشگی برای سرشار کردن منابع تشریح و قضا می‌داند (عالل الفاسی، بی تا: ۶۰-۱۵۱).

چه بسا توجه به جنبه روش‌شناختی مقاصد، سبب شده برخی عالمان معاصر نگاه مقاصدی را ضمن مباحث دلالت مندرج کنند. از نظر زکی‌الدین شعبان، دانستن راه‌های استنباط همچنان‌که بر شناخت دلالت‌های لغوی و تعارض‌های آنها و راه‌های دفع تعارض در دلالت متوقف است، بر شناخت مقاصد شریعت نیز متوقف است (شعبان، ۱۹۶۸: ۲۸۹).

نگره مقاصد شرعی در رویکرد شاطبی (د ۷۹۰ق)

از نظر شاطبی، علم مقاصد از دو نظر اهمیت دارد (شاطبی، ۱۴۲۳: ۱۰۵/۲) که به این شرح است:

۱. درک مقاصد شریعت به‌طور کامل.

۲. توجه به مقاصد شریعت در استنباط.

از نظر شاطبی، آگاهی از مقاصد شریعت موجب می‌شود، عالم به هنگام پرداختن به جزئیات، خود را ملزم بر رعایت کلیات شریعت بداند؛ چراکه توجه به مصالح در تمامی شریعت جاری و ساری بوده هنگام کاربرد دلایل خاص از کتاب، سنت، اجماع، و عقل سنجش این جزئیات با آن کلیات را واجب می‌کند (همان: ۸/۳).

شاطبی قصد شارع از وضع شریعت را تأمین مصالح بندگان در دنیا و آخرت می‌داند و بحث از این مقصد احکام شریعت را این‌گونه آغاز می‌کند: «تکالیف شریعت به حفظ مقاصدش در خلق باز می‌گردد و این مقاصد سه‌گانه است: ... ضروری و حاجتی و تحسینی».

آن‌گاه این سه‌گونه را به این صورت تعریف می‌کند:

- ضروری: چیزی است که تحقق مصالح دین و دنیا بدان است و از نبودش اختلال و فساد بزرگی در دنیا و آخرت رخ می‌دهد و به مقدار فقدان در نظام زندگی، تعطیل و فساد پدیدار می‌شود. از طریق استقرا، روشن شده است که مقاصد ضروری پنج‌تاست: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ نسل، حفظ مال و حفظ عقل. همه‌آیین ما برای حفظ این پنج مقصد آمده است.

- حاجتی: چیزی است که بدان تنگی و سختی معیشت مکلفین زدوده می‌شود و فراخی در آن پیدا می‌شود.

- تحسینی: آن مصالحی است که اهمیتش در حد مصالح قبلی نیست و کارش تحصیل و تکمیل آن‌هاست که در عادات نیکو و فضایل اخلاقی و آداب متجلی می‌شود (همان: ۳۸/۱).

سپس نتیجه می‌گیرد که «شارع از مکلف می‌خواهد که قصدش در عمل، موافق قصد شارع در تشریح باشد...»؛ بنابراین اگر شریعت برای مصالح بندگان وضع شده است، مطلوب آن است که مکلف در افعال خود طبق آن عمل کند.

در ادامه می‌افزاید:

همچنان‌که گذشت، قصد شارع حفظ ضروریات، حاجات و تحسیناتی است که به ضروریات باز می‌گردد و این دقیقاً همان چیزی است که بنده بدان مکلف شده است. پس ناگزیر باید آن را قصد کند، زیرا اعمال تابع نیت است. وانگهی از آن‌جا که انسان در مورد خود و خانواده و اموال و آنچه در اختیارش نهاده شده، جانشین خداوند است، مطلوب از

او آن است که قائم مقام کسی باشد که او را به جانشینی برگزیده است، یعنی احکام و مقاصد او را حفظ و اجرا کند (ریسونی، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

شاطبی پس از گفت‌وگو درباره قرآن، هنگام بحث از سنت، درنگی دیگر می‌کند و دیدگاه مقصدگرایانه خود را برای بیان ادله تشریح یعنی قرآن و سنت و جنبه‌های کلی و جزئی ساختار تشریح به‌کار می‌گیرد. او بر آن است همان‌طور که آیات مدنی مبتنی بر آیات مکی و کلیات آن است، سنت نیز کاملاً بر قرآن کریم مبتنی است؛ زیرا مدار هر دو، تأمین مقاصد شریعت در ایجاد و حفظ مصالح ضروری، حاجتی و تحسینی است.

به‌طوری که قرآن کریم مصالح هر دو جهان را برای ایجاد رغبت به سوی آن نقل کرده، مفاسدی را که موجب محرومیت از هر دو جهان می‌شود بیان می‌کند تا از آن‌ها اجتناب شود و هر آنچه در کتاب به اجمال آمده، در سنت به کمال و با شرح و بیان بیشتر آمده است. پیش از این گذشت که شاطبی مصالح را بر سه قسم می‌داند: ضروریات، حاجیات و تحسینیات.

از نظر او، اگر به سنت بنگریم، همین مصالح را خواهیم دید. پس کتاب، اصولی آورده و سنت به شرح و تفریح آن‌ها پرداخته است. لذا هرچه در سنت می‌بینیم به این مصالح سه‌گانه باز می‌گردد.

شاطبی معتقد است که شریعت مصالح پنج‌گانه حفظ دین، حفظ نفس، حفظ نسل، حفظ عقل، و حفظ مال را از دو راه تأمین می‌کند:

۱. از جهت وجودی به‌واسطه تشریح احکامی که این مصالح را حفظ می‌کنند.
۲. از جهت عدمی به‌واسطه از بین بردن و پیشگیری از زمینه‌های نابودی این مصالح.

مقاصد شریعت و اقسام آن

انسان براساس تمنیات درونی و شرایط و مقتضیات بیرونی با به‌کارگرفتن خرد، راه‌هایی را برای رفع نیازهای طبیعی و روانی خود و رسیدن به زندگی مطلوب جست‌وجو می‌کند. شریعت اسلامی تلاش کرده است تا گرایش‌ها و این رفتار انسان را در مسیر صحیح و سالم منطبق با فطرت و خرد سالم هدایت کند. محصول این تلاش، که از طریق اصلاح و تکمیل تدابیر و گاه نفی شیوه‌ها و روش‌های ناسالم و انحراف‌زا صورت می‌گیرد، بنیان‌گذاری اصول و اخلاق اقتصادی، اجتماعی و قضایی منطبق با فطرت و نیازهای اصیل انسانی است که در قالب شریعت در دسترس افراد قرار گرفته است.

در این راستا نیز مقاصدی در بطن شریعت جای‌گذاری شده است که به سه دسته کلان، میانی و ابتدایی تقسیم می‌شود. در مقاصد کلان، هدف از تشریح، پرستش آگاهانه‌ای است که تکامل انسان در این پرستش نهادینه شده است؛ عبودیتی از سر معرفت «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۱۵۶). هدف از مقصد میانی، بروز قابلیت‌ها، شکوفایی استعدادها و توانایی‌های انسان برای تبلور زیبایی‌های خاص اوست، پس به بیاناتی چون «یزکیهم و يعلمهم الكتاب و الحکمه» (جمعه: ۲) و نیز تأکید بر بروز مهارت‌های عقلی و خرده‌های پنهان در انسان با تفکر عمیق و به‌کارگیری آن در مسیر صحیح و اهداف غایی زندگی اشاره دارد. برخورداری از حیات متعالی انسانی و در نهایت رسیدن به حیات طیبه نیز از اهداف میانی محسوب می‌شود.

اهداف اولیه و ابتدایی، بیشتر در راستای انجام فرایض و احکام مربوط است. «إن الصلاة تنها عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت: ۴۵). حول این طبقه از مقاصد، خطبه‌های حضرت زهرا(س) متن جامعی است.

در نگاه کلی‌تر، مقاصد شرعی در چهار هدف خلاصه می‌شود:

۱. تأمین نیازهای مادی و معنوی و ایجاد تعادل میان این دو نیاز.
 ۲. تعالی‌بخشیدن به اندیشه و روان انسان و حفظ شخصیت و کرامت والای او.
 ۳. تأمین و حفظ حقوق همه اشخاص براساس عدل و ایجاد سازگاری میان حقوق فرد و اجتماع.
 ۴. برقراری نظام قسط و حاکم‌ساختن روابط عادلانه بین اشخاص در همه عرصه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی.
- لذا نظریه مقاصد شریعت تلاش می‌کند از طریق آیات و روایات، ابتدا به غایت احکام دست یابد، سپس با تقسیم و درجه‌بندی آن‌ها، ضابطه‌ای برای فهم و بازخوانی احکام استنباط‌شده ارائه داده از آن به‌مثابه روشی برای استنباط استفاده کند.

مادری و مقاصد شرعی

با توجه به تعریف مقاصد شریعت و هدف‌داربودن هستی و همه ابعاد زندگی، مسئله مادری در حیطه مقاصد و نظام هستی و جهان‌بینی توحیدی، خود، اهداف و مصالحی دارد که در سطوح مختلف، مبسوط به بررسی آن می‌پردازیم.

مادری، اهداف و مقاصد کلان شریعت

حول این دسته از مقاصد، حرف و حیطة‌های تحقیقی بسیار است که هدفش پرستش آگاهانه‌ای است که تکامل انسان در آن نهادینه شده است. در جعل شریعت هم، فقها و محققان به مصالح و مقاصدی پایبندند که شاطبی در پارادایم مقاصد کلان مصالحی را برمی‌شمرد که حفظ و تداوم آن ضروری است و هیچ‌نوع مصلحتی قادر به نفی آن‌ها نیست؛ زیرا نقض و نادیده‌گرفتن آن‌ها در تعارض با مصالح عام است. البته اگرچه شاطبی یک فقیه سنی است امتیاز کارش در آن است که به‌صورت کلاسیک به این مقاصد پرداخته است. حال آن‌که ما در آثار فقهای برجسته شیعی، چون شیخ صدوق، فراوان به این دسته مقاصد برمی‌خوریم که از لحاظ محتوایی نظیر ندارد. به‌گونه‌ای که با نقض ضرورت این مقاصد مصالح اجتماعی نقض و فساد جانشین آن می‌شود و نتیجه آن هرج‌ومرج و تعدی به حیات انسانی است (العالم، ۱۹۹۴: ۸).

از نظر ایشان، این مصالح به دو دسته عینی و کفایی تقسیم می‌شود. مصلحت کفایی مصلحت اقامه حکومت است که از طریق سازماندهی امور اجتماعی پرداختن به امور حسبه، قضاوت و ولایت، حفظ مصالح ضروری عینی را به‌صورت تعمیم‌پذیر و عام در حیات اجتماعی ممکن و محقق می‌کند.

مصالح ضروری عینی نیز، از نظر شاطبی، مصالح پنج‌گانه حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال است که از طریق گزاره‌هایی تأکید می‌شود. بنابراین هرگونه گزاره و حکم فقهی که نافی این مصالح باشد و گزاره‌هایی که به‌صورت ایجابی یا سلبی است، مشروعیت و اعتبار عقلانی ندارد (شاطبی، ۱۴۲۳: ۷/۲)؛ زیرا مشروعیت مربوط به گزاره‌های فرودست‌تر متفرع بر حفظ این مصالح است و با وجوه الزامی یا تجویزی خویش، قادر به نفی اعتبار گزاره‌های درجه اول و فرادست نیست. این مصالح، از نظر شاطبی تقدم و تأخر رتبی دارد که مربوط به درجات و اعتبارات آن‌ها نزد شارع است؛ البته هریک از این مصالح در حیطة رسالت مادری بررسی می‌شود که به این شرح‌اند:

رسالت عظیم مادر در حفظ دین

شاطبی در بیان اهمیت و تعمیم‌پذیری مصالح ضروری و نفی اختیار فرد در اسقاط یا اختلال به این مصالح می‌نویسد:

هی الضروریات المعتمره فی کل مله و انما قلنا لاحظ فیها للعبد من حیث ضروریه لانها قیام

بمصالح عامه مطلقه، لا تختص بحال دون حال و لا بصورة دون صورة و لا بوقت دون وقت لكنها تنقسم الى ضرورية كفايه (همان: ۱۳۱).

یعنی این مقاصد پنج‌گانه در همه شرایع دارای اعتبار است و عبد در اسقاط و یا اختلال آن‌ها دارای اختیار نیست. زیرا این مصالح، مصالح شخصی و جزئی نیست، بلکه مصالح عام است و مشروط و مقید به زمان و مکان خاص یا وضعیت‌های معین نیست. در حقیقت به نظر شاطبی، سوئه تشریح در شرایع سابق ناظر به حفظ مقاصد ضروری و پنج‌گانه است. وی گزاره‌های فقهی مربوط به حفظ دین و مصالح ضروری دیگر را دارای دو ماهیت ایجابی و سلبی می‌داند (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۱۹۰) که به این صورت است:

۱. گزاره‌های ایجابی یا احکام وجودی که گزاره‌های مربوط به عبادات‌اند؛ مانند زکات، روزه و حج. از نظر شاطبی، این احکام ایجابی مربوط به حفظ مصلحت دین است.

۲. گزاره‌های سلبی یا احکام عدمی: احکام مربوط به ارتداد، گزاره‌های سلبی و احکام عدمی در حمایت از مصلحت دین و همچنین احکام مربوط به جهاد و احکام کیفری مربوط به اهل بدع است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شاطبی در حیطة تقدم و تأخر رتبی، حفاظت از دین را در نخستین مرتبه اهمیت قرار می‌دهد، پس دین‌شناسان و فقها در نگاهبانی از آن باید توجه کافی داشته باشند. در این حیطة، مادر در پاسداری از این مهم نقش عمده دارد. مادر مبنای حفظ دین و تربیت و آموزش دینی در فرزند است.

نکته مهم آن است که مادر، در جایگاه مربی کودک و الگوی او، باید به توحید معتقد باشد تا بتواند تربیت توحیدی کند. اعتقاد به توحید، سهمی عمده و عظیم در نقش تربیتی مادران دارد. در واقع، مادر است که در کودکی تفکری را در قالب ذهن انسان می‌نهد که فرد در بزرگی از آن به دفاع برمی‌خیزد. شخصی که افکار و اندیشه‌های ضاله در قالب ذهنی‌اش متبلور است، می‌شود مصداق فردی چون سلمان رشدی؛ اما فردی که دارای اندیشه‌های ناب توحیدی از دامان باطهارت مادر و تفکر توحیدی اوست مصداق استاد شهید مرتضی مطهری است.

از مصداق‌های قرآنی نیز نقش اعتقادی مادر در پرورش دو پیامبرزاده، پسر نوح و حضرت اسماعیل، است. پسر نوح در آخرین لحظات نزول بلا، حتی با اصرارهای هدایت‌آمیز پدر راضی به پذیرش صراط توحیدی نشد؛ اما اسماعیل در راستای تحقق امر

خداوند در قربانی شدن خودش حتی پدر را ترغیب و تشویق می‌کند و از خود می‌گذرد و همه این‌ها ناشی از تمایز فرهنگی است که مادر در انسان نهادینه می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «السعيد من سعد في بطن امه، والشقي من شقي في بطن امه: نیک‌بخت کسی است که در رحم مادر به نیک‌بختی رسیده است و بدبخت کسی است که در شکم مادر به بدبختی رسیده است» (الآمدی، بی‌تا: ۳۷۹). از این فرمایش گران‌سنگ پیامبر، برداشت می‌شود که دلیل پاکی ریشه خانوادگی، مادر است. بهترین بذرها اگر بی‌توجه به شرایط کاشته شوند، هرگز به ثمر نخواهند رسید؛ بنابراین با این‌که پسر نوح نبی (ع) در کانون وحی می‌زیست نتوانست با نوع تربیت خویش و در بطن مادری فارغ از دین متصل به خانواده روحانی‌اش شود و خویشتن را به دریای بی‌کران محبت خداوند بسپارد؛ بلکه با اعتقادی کج‌اندیشانه، گام در دریای غضب الهی فرو برد.

مادری و مصلحت حفظ نفس

در حقوق اسلامی، قاعده «لا یبطل دم امرء المسلم» ناظر به حق حیات فرد و به‌مثابه اصل عقلانی عام و فراگیری است که سیاست شرعی را در منطقه فراق احکام و گزاره‌های مربوط به آسیب‌رسانی‌های جسمانی تعیین می‌بخشد. حول حفاظت از نفس، از سه منظر باید به گزاره‌های شرعی نگریست (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۹۳-۱۹۲) که به این صورت است:

۱. احکام و گزاره‌های الزامی و تجویزی مربوط به خود فرد در ارتباط با حفظ نفس؛ مانند حرمت خودکشی و نوشیدن مشروبات الکلی.
۲. گزاره‌های مربوط به امور اجرایی از جانب حکومت حول مجازات‌ها و کیفرهای آسیب‌رسانی‌ها.
۳. گزاره‌های مربوط به ممنوعیت قتل و ورود آسیب‌های جسمانی از وجودی بر وجود دیگر؛ چون حرمت سقط جنین.

با توجه به بررسی این گزاره‌ها، بیشتر از پیش به ارتباط مستقیم این مصلحت با وجود مبارک مادر پی می‌بریم؛ چراکه مادر است که فرزند را در بطن خویش می‌پروراند و حمل می‌کند و مسئول حفظ جان اوست. حتی در پیمان عقبه شاهدیم که یکی از شروط پیامبر برای بیعت با زنان، نکشتن فرزند و حفظ نفس از جانب آنان است.

در این راستا، مادر مسئول است که هیچ آسیبی به فرزند نزند و پس از به‌دنیا آمدن فرزند، مسئولیت تغذیه‌اش با اوست. سیمون دوپوار در کتابش، جنس دوم، آورده است: «در فرانسه

هرسال به اندازه اطفالی که زاده می‌شود، سقط جنین می‌کنند. این پدیده، به قدری گسترده است که بایستی آن را از خطرهایی دانست که به‌طور عادی جزء وضعیت زنانه شده است» (دوبوار، ۱۳۸۰: ۶۷/۲-۱۷۳). حال آن‌که خداوند در قرآن فرموده است: «لا تقتلوا النفس التي حرم الله» (انعام: ۱۵۱) و «لا تقتلوا اولادکم» (اسراء: ۳۱). مادر در زمان حمل کودک در راستای مصلحت حفظ نفس، حق مصرف خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌های آسیب‌زا برای کودک و یا حق کشتن (سقط) او را ندارد.

مادر دستگاه صناعت صنع الهی است که غرض و مقصد خلقت را از به‌وجودآوردن انسان متجلی می‌کند و در خلقت انسان تجلی حق به‌تمامه باید واقع شود (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹: ۹۳).

براساس این اصل، مادر امانت‌دار الهی است و نباید در چنین امانتی خیانت کند. خدای بلندمرتبه از سقط جنین به سبب مشکلات مالی نهی می‌کند و می‌فرماید: «و از ترس روزی، فرزندان خود را نکشید که ما به آن‌ها روزی می‌رسانیم».

در حفاظت از نسل توسط مادر، به دو جنبه تأکید می‌شود؛ بعد مادی و بعد معنوی که شارع هر دو مسئولیت را برای مادر مد نظر قرار داده است:

و نفس و ما سوها. فالهمها فجورها و تقویها. قد أفلح من زکها: و به نفس و آن‌که راست آوردش. پس به وی الهام کرد گناهکاری و پرهیزکاری اش را. همانا رستگار شد آن‌که پاک ساختش (شمس: ۶-۹).

مهم‌ترین نقش مادر، همین پاک‌ساختن و تزکیه است؛ هم در قبال فرزندگی که در رحم دارد و هم آن‌که در جامعه بشری حضور دارد. به همین سبب، وظیفه مادر فقط حفظ نفس حیوانی نیست؛ بلکه در حفظ نفس انسانی حتی وظیفه‌ای خطیرتر و مهم‌تر از نوع مادی بر دوش دارد. طهارت نفس مادر، طهارت زندگی را در نفس آدمی می‌دمد و این مصداق «فلنجینه حیوه طیبه» (نحل: ۹۷) است.

نقش مادر در حفاظت از نسل

در مفاد پیمان عقبه دوم و بعدها در مدینه، تعهد دوجانبه حکومت و مسلمانان شاهی بر ارج نهادن به این مصلحت است. «ای پیامبر هرگاه زنان به‌سوی تو آمدند و با تو بر ترک شرک و عدم ارتکاب معاصی‌ای چون سرقت، زنا، قتل، افترا و معاصی دیگر پیمان جستند تو نیز در راستای حفظ این مصالح، با آنان پیمان ببند» (ممتحنه: ۱۲).

البته زنان بخشی از جامعه اسلامی بودند که با پیامبر پیمان سیاسی بستند و تعهدات ناشی از پیمان فقط ناظر به آنها نیست؛ بلکه مفاد عام پیمان با همه مسلمانان و غیرمسلمانان مدینه است (ابن عربی، ۱۳۶۵: ۴/۲۳۳). در سیستم قانون‌گذاری اسلامی، مصلحت حفظ نسل از طریق احکام مربوط به نکاح و گزاره‌های ایجابی مرتبط با آن و همچنین احکام سلبی مربوط به حرمت زنا و مجازات و کیفرهای مربوط به آن حمایت می‌شود.

پیامبر اکرم (ص)، که بر ازدواج کردن سفارش اکید دارد و آن را سنت خود می‌شمارد، بر آن است که با ازدواج، هم سلامت و طهارت نسل حفظ می‌شود و هم حفاظت از نسل به عمل می‌آید. از طرفی تحریم زنا در اسلام و جاری شدن حد بر آن، دلالت بر آن دارد که انسان باید از ابتدا و مبدأ ولادت خود، باطهارت باشد تا برای جامعه و افراد آن مایه خیر و برکت باشد و این طهارت با مادر در ارتباط مستقیم است؛ چراکه اوست که در بطن خود کودک را می‌پروراند و اصل، ریشه و سرچشمه وجود کودک است. در واقع، کودک انعکاسی از واقعیات جسمی و روحی مادر و میوه‌ای از آن شجره مبارک است.

مدت حضور نطفه در صلب پدر بسیار اندک است؛ ولی در رحم مادر نزدیک به ۲۷۰ روز مهمان است. بر این اساس، تمامی یا اغلب گیرندگی و اثرپذیری او از مادر است. به همین علت است که اسلام در حفاظت از نسل، برای مادر بیش از دیگران اهمیت قائل است. آثار وجودی مادر از جسم و روان، در وجود کودک ظهور می‌کند و طفل در بیشتر اطوار و برنامه‌های حیاتش، خودآگاه یا ناخودآگاه، تابع طینت مادر است.

در زیارت وارث، خطاب به امام حسین (ع) آمده است: «اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱/۲۰۰) که بیانگر آن است که سرور و سالار شهیدان نسل اندر نسل با طهارت و کرامت، چشم شوق به سوی معبود باز کرد.

حضرت زکریا نیز آن‌گاه که از خداوند منان درخواست فرزند می‌کند، در دعایش این چنین می‌گوید:

رب هب لی من لدنک ذریه طیبه: خدایا از نزد خود بر من نسلی پاکیزه عطا کن (آل عمران: ۳۸).

این دعای زکریا (ع)، پیام طهارت را برای مادرانی به ارمغان می‌آورد که در بطن آن‌ها، نسل‌ها پرورده می‌شوند؛ چراکه از نسلی پاک، ثمرات بی‌شمار به بار می‌نشیند.

و البلد الطیب نخرج نباته یاذن ربه و الذی خبت لا یخرج الا نکداً و سرزمین پاک برون آید رستنی‌اش به اراده پروردگارش و آن‌که پلید است برون نیاید جز اندکی ناچیز را (اعراف: ۵۸).

به این معنا که خداوند بزرگ به نسلی پاکیزه عنایات خاص خود را عطا می‌کند. از طرفی، خود شارع مقدس هم وجود پلیدی و کفر را در وجود بنده، به‌ویژه مادر که کلید صناعت الهی است، نمی‌پذیرد چراکه فرهنگ کفر را همین صانعان عرصه خلقت توسعه می‌دهند که خداوند در سوره نوح در دعای نوح (ع) آن را گنجانده است:

قال نوح: رب لا تذر علی الأرض من الکافرین دیارا. إنک إن تدرهم یضلوا عبادک و لا یلدوا إلا فاجراً کفاراً: نوح گفت: پروردگارا، نگذار بر زمین کسی از قوم کافران را که اگر بگذاریشان گمراه کنند بندگان را و نمی‌زایند جز فرزند گناهکار ناسپاس (نوح: ۲۶).

در همین حیطة، خبث طینت مادر سبب فساد در نسل خواهد شد. پیامبر اکرم (ص) در این راستا خطاب به عمروعاص می‌فرمایند: «و اما انت یا عمرو بن عاص ... اول امرک امک لبغیه و انک ولدت علی فراش مشترک: ای عمروعاص، اولین اشکال تو آن است که مادرت اهل فحشا بود و تو پس از آمیزش مادرت با چند مرد، متولد شدی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰/۴۴).

شهید مطهری سلامت نسل و سلامت جامعه و تربیت روح آدمی و انسان‌سازی را از غایت‌های عمده شریعت در فلسفه مادری می‌شمارد. او می‌گوید:

شناخت فلسفه مادری بستگی دارد به این‌که ما جنبه‌های اجتماعی و فردی مادری را از لحاظ طبیعی؛ یعنی از لحاظ تأثیر مادری در مادر و در فرزند و از جنبه‌های اجتماعی؛ یعنی از جنبه تأثیر مادر در بهبود نسل یا فساد آن و در تربیت روح فرزندان به‌واسطه عواطف فوق‌العاده مادری بشناسیم و برای مهر مادری، که از همه مهرهای جهان ممتاز است، حکمت و فلسفه قائل شویم (مطهری، ۱۳۸۲: ۵/۵۹).

نقش مادر در حفظ عقل

حفظ عقل در شریعت اسلامی با تحریم خمر و حرمت غنا و احکام سلبی مربوط به حد شرب خمر تأکید شده است؛ ولی بین فقیهان، بحث در تقدم مصلحت عقل بر نسل و یا عکس قضیه است. بعضی فقیهان و اصولیان مانند تفتازانی، ابن‌حاجب و آمدی به تقدم مصلحت عقل بر نسل قائل‌اند (الآمدی، ۱۴۰۲: ۴/۲۷۷).

نقشی که مادر در حفاظت عقلانی دارد اساسی و انکارناپذیر است. مادر برای خود و همچنین همسر و فرزندانش نقش تربیتی بسزایی دارد. او باید بداند که چون مادر است، باید مراتب طهارت را رعایت کند. او نباید از محرّمات بنوشد یا بخورد. نباید از مواد

مسخ‌کننده چون مشروبات و الکل و مواد مخدر استفاده کند؛ چراکه این مواد، بر مادر و فرزند، تأثیرات سوء می‌گذارد.

درواقع، در این بخش، سخن از مهارت مادر است در واداشتن فرزندانش به تفکر و اندیشه و پرورش قدرت عقلانی آنان. استاد مطهری می‌گوید:

بزرگ‌ترین خدمت مادرم به من این بود که توان فکرکردن را در من ایجاد کرد (۱۳۸۲: ۱۴۶/۵).

پرورش قدرت تعقل و اندیشه، از رسالت‌های مادر است و به سبب اهمیت این مصلحت، مادر باید با روش به تفکر واداشتن فرزند و حتی همسر خویش (در حیطه خانواده) آشنا شود. مادر با استفاده از روش مشاهده آفرینش و دعوت کردن فرزندش به تفکر در آن، می‌تواند زمینه‌ساز رشد عقلانی و تفکر او شود. قرآن و نهج‌البلاغه از این روش برای وادار کردن انسان به تعقل استفاده کرده و نمونه‌هایی از آفرینش مثل مورچه، طاووس و شتر را برای توجه و تفکر انسان آورده‌اند (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۶۵؛ بقره: ۲۶۰). توفیق درک محضر اشخاص خردمند نیز موجب رشد خرد در آدمی می‌شود. مادر می‌تواند با فراهم کردن چنین زمینه‌ای پیشینه توسعه و رشد عقلانی فرزندش را فراهم کند. مصداق این امر، مادر سیدرضی است که او را در کودکی برای تعلیم و تعلم نزد شیخ مفید بردند (نهج‌البلاغه: مقدمه).

مسئله دیگر آن است که مادر باید بداند یکی از راه‌های رشد عقلانیت، مبارزه با نفس و مهار تمایلات نامشروع است. در قرآن کریم آمده است: «تقوای خدا پیشه کنید و خدا به شما آموزش علم و دانایی عطا می‌کند»^۲. مصلحت حفظ عقل، با توجه به موقع حساسی که دارد، مسئولیت عظیمی بر دوش مادر می‌نهد؛ چراکه مادر است که در انسان، از کودکی بذر عقلانیت یا بی‌خردی و پوچی را می‌پروراند.

مصلحت حفظ مال و نقش مادر

برخی فقها، مصلحت حفظ مال را بر مصالح دیگر ترجیح می‌دهند و برخی، اعتبار گزاره‌های ایجابی و سلبی مربوط به حفظ مال را مشروط به حفظ مصالح و مقاصد دیگر می‌دانند. بدین ترتیب، اموال فرد در مقابل شخصی که در معرض تلف است، و بر مبنای قاعده الضرورات تبيح المحذورات (محقق حلی، ۱۴۱۰: ۷۵۷/۴)، اضطرار و لا ضرر متعرض اموال دیگران شد از طریق محاکم و چاره‌جویی‌های کیفری حمایت نمی‌شود.

درواقع، حق مالکیت از نظر محقق حلی از آن نظر بنیادین است که حافظ شئون انسانی فرد و کرامت الهی وی باشد. بنابراین، مشروعیت حق مالکیت و حوزه تصرفات مالک را حفظ مصالح دیگر کنترل و تعدیل می‌کند؛ مانند نهی از معامله مقارن با نماز جمعه یا کسب درآمد از طریق فروش مشروبات الکلی یا نهی از کسب درآمد از طریق آلات غنا و موسیقی (انصاری، ۱۴۲۱: ۱/۳۰۲).

در این پارادایم، نقشی که زن در جایگاه مادر برای حفاظت از مال و سرمایه ایفا می‌کند دقیقاً ریشه قرآنی دارد؛ چراکه تا قبل از ظهور اسلام و در دوران جاهلیت، از آن‌جا که زن کمترین جایگاه انسانی و ارزشی نداشت، مالک هیچ‌چیز هم به حساب نمی‌آمد و حق مالکیت نداشت؛ حتی در مواردی چون ارث، نه تنها زن مالک سهم خود نمی‌شد، بلکه خودش جزو مایملک متوفی به حساب می‌آمد و به سان اشیاء، به سایر ورثه انتقال پیدا می‌کرد. حتی در کشورهای اروپایی هم تا چند قرن اخیر، زن را شخصی محجور می‌دانستند که حق دخل و تصرف در دارایی خویش را نداشت.

اما قرآن کریم ۱۵ قرن پیش‌تر، بر همه این باورها خط بطلان کشید و برای زن، با توجه به موقعیتش، حقوق مالی و اقتصادی متناسب با شأن وی در نظر گرفت. حال چه در حیطة ارث، چه در حیطة مهر و چه در حیطة کار و دستمزد.

زن، در موقع حساس مادری، در حفظ مال باید تا آن‌جا پیش رود که آسیبی متوجه کیان خانواده نباشد. حمایت شارع از مادر در حیطة مسائل مالی نیز نمودی از اهمیت این وظیفه خطیر است تا مادر با شخصیت عظیمش و با در دست داشتن کلیدهای تربیتی، دغدغه مالی نداشته باشد. در امر خطیر رسالت مادر چهار مصلحت پیشین تا آن‌جا پیش می‌روند که حفظ مال را تعدیل می‌کنند و شاید هم گاهی آن را تنزُّل می‌دهند. در این راستا، مثال‌هایی مصداق‌گونه به بحث کمک بیشتری می‌کند. فرض شود مادری به علت کمبود مالی خانواده، دست به سقط جنین می‌زند. در این‌جا، مصلحت حفظ نفس و نسل، حفظ مال را تنظیم و تعدیل می‌کند. مثال دیگر این‌که مادری برای گذران زندگی، مبادرت به فروش آلات غنا یا مشروبات الکلی کند. در این‌جا، مصلحت حفظ عقل و نسل کسب درآمد از راه نامشروع را نفی می‌کند (نوعی از تعدیل).

در اسلام، هیچ مادری اجازه ندارد برای مصارف مادی فرزند خویش در راستای ایفای رسالتش، مصالح حفظ عقل، نفس، نسل و دین را زیر پا بگذارد. درواقع، در حیطة مادری حفظ مال از مصالحی است که برای مادر و تکالیفش در مرتبه آخر درجه قرار دارد.

مادر، اهداف و مقاصد میانی شریعت

در هدف میانی، بروز قابلیت‌ها، شکوفایی استعدادها و توانایی‌ها برای تبلور زیبایی‌های خاص انسان، مدنظر است. پس بیاناتی متنوع و متعدد چون «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة» (جمعه: ۲) بر این امر تأکید دارد. در این باب، موضوع مهم حول رسالت مادری، نوع بینش و نگرش مادر، شیوه تربیتی و آموزش و درک اوست که چگونه در ترویج شیوه اولوالالباب، که پروردگار متعال بر آن تأکید می‌ورزد، ایفای نقش کند. در ادامه، به تشریح این موارد می‌پردازیم.

تزکیه و پرورش، تعلیم و آموزش

خداوند عظیم‌الشأن در قرآن می‌فرماید:

لقد منَّ اللهُ على المؤمنين إذ بعثَ فيهم رسولاً من أنفسهم يتلوا عليهم آياته و يزكّهم و يعلمهم الكتاب و الحکمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين: البته خداوند بر مؤمنین منت نهاد که در بین آنان پیامبرانی از جنس خودشان مبعوث فرمود که برای آنان آیات خدا را بخوانند تا آنها را تزکیه کنند و تعلیم کتاب و حکمت دهند (آل عمران: ۱۶۴).

و نیز می‌فرماید:

هوآلذی بعث فی الامیین رسولاً منهم يتلوا عليهم آياته و يزكّهم و يعلمهم الكتاب و الحکمة: اوست که در میان اُمّی‌های مردم مکه که غالباً بی‌سواد بودند فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنان تلاوت کند و آنان را از پلیدی‌های اخلاقی و عملی و عقیدتی پاکیزه کند و به آنان کتاب آسمانی و معارف دینی و عقلی آموزد (جمعه: ۲).

در همین راستا، خداوند برای مقام شامخ مادر در جای‌جای این آیین، همچون رسالت پیامبری، وظیفه پروردن و تزکیه و پالایش را قرار داده تا فرزندان را از نطفه با مربی‌گری خود، به‌لحاظ فکری و روحی، به درجات متعالی سلوک برساند. این برای مادر وظیفه سنگینی است؛ چراکه کودک از همان آغاز، مادر را تنها حلقه ارتباطی‌اش با دنیای مادی می‌داند. مادر اولین مربی کودک در زندگی است. مربی به معنای تربیت‌کننده، پرورش‌دهنده، پرورنده و در اصطلاح «معلم‌الخیر»ی است که به خیر و خوبی دعوت می‌کند و در این دعوت، هدفی جز قرب الهی ندارد. بزرگ‌ترین نقش مربی، نقش الگویی است و فرق مربی با معلم این است که معلم از طریق صحبت‌کردن، دیگران را دعوت به

خیر می‌کند؛ ولی مربی با عمل، دعوت می‌کند. در واقع، همه حرکات و سکنات مادر در جایگاه مربی، الگویی است برای فرزندان. نقش الگویی مادر در تربیت فرزندان، بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

آلبرت بندورا (Albert Bandura) روان‌شناس، محقق و نظریه‌پرداز یادگیری، بر آن است که بخش مهمی از آنچه شخص یاد می‌گیرد، با تقلید و الگوسازی به دست می‌آید (برنارد، ۱۳۸۴: ۹۰-۲۸۹).

تماس نزدیک مادر با فرزندان و نفوذی که بر آنان دارد نقش مهمی در سلامت فکری و روانی ایشان ایفا می‌کند. این تأثیر و نفوذ، ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم صورت پذیرد و به شیوه‌های گوناگون؛ مثل تقلید، الگوسازی و گاهی اوقات همانندسازی بروز می‌کند. پس برای این تعلیم و تزکیه، نیاز است که مادر به جایگاه واقعی خود پی ببرد تا در این رسالت موفق باشد.

شکوفایی استعدادها

در نهج‌البلاغه، پس از بیان فراموش کردن عهد و پیمان فطری انسان با خداوند و انصراف از معرفت خداوند، امام علی (ع) هدف ارسال انبیا را چنین بیان می‌دارند:

فبعث فیهم رسله، و واتر الیهم انبیاءه، لیستأذوهم میثاق فطرتهم، و یذکروهم منسی نعمته، و یحتجوا علیهم بالتبلیغ، و یشیروا لهم دفتائن العقول و یروهم الایات المقدره...: پس خدای تعالی پیغمبران خود را در بین آنان برانگیخت و ایشان را پی در پی می‌فرستاد تا عهد و پیمان خداوند را که جبلی آنان بود بطلبند و به نعمت فراموش شده (توحید فطری) یادآوریشان کنند، و از راه تبلیغ با ایشان گفت‌وگو نمایند (با برهان، سخن بگویند) و عقل‌های پنهان شده را (که در زیر غبار کفر پوشیده و بر اثر تاریکی ضلالت و گمراهی مستور گردیده) بیرون آورده، به کار اندازند، و آیات قدرت را به ایشان نشان دهند... (خطبه اول: ۲۴).

در راستای تحقق اهداف پیامبران، مادر هم به فراخور رسالت خویش مسئول شکوفاکردن استعداد و توان فرزندش است. او مسئول است تفکر فرزند خویش را با تدابیر و شیوه‌های گوناگون در مسیر رشد و توسعه قرار دهد. مادر، با برقراری ارتباط مؤثر با کودک، سهم بسزایی در رشد عقلانیت او دارد.

یکی از روش‌های رشد عقلانی، دعوت به تدبیر است. قرآن بارها انسان را دعوت به تدبیر و تفکر کرده است: «أفلا یتدبرون، أفلا یعقلون و...». مادر باید از ابتدای طفولیت، از

فرزند بخواهد در آنچه می‌بیند، می‌خواند و یا می‌شنود، به‌خوبی فکر کند. تدبیر در امور، موجب رشد قدرت خردگرایی فرد می‌شود.

مادر نباید به همه سؤالات فرزندش، بلافاصله، پاسخ دهد؛ بلکه باید از او بخواهد ابتدا خودش در این زمینه بیندیشد و در صورت نیاز مطالعه کند. مادر هم متقابلاً باید به تفکر و اندیشه و مطالعه بپردازد و بعد درباره این مسئله با هم صحبت کنند. مادران بدانند برای ایجاد عادت خوب و پسندیده تفکر، باید حتی در جزئی‌ترین مسائل، فرزند را وادار به فکرکردن کنند. این راهکار بسیار خوبی برای عادت‌دادن فرزندان به تفکر و اندیشه است (قائمی، ۱۳۸۴: ۵۶).

از موارد دیگر در این حیطه، آن است که امور روانی با رشد عقل رابطه مستقیمی دارد. هرچه فضای روانی در منزل، مناسب‌تر و آرام‌بخش‌تر و سرشار از اطمینان و امنیت و آرامش باشد، امکان رشد عقلانی بیشتر فراهم است. مادر با ایجاد فضای روانی مناسب در منزل، می‌تواند زمینه پرورش رشد عقلانی کودک را فراهم کند. در فضای پر از ناامنی، اضطراب، نگرانی و دلهره، اصلاً امکان رشد قدرت تعقل و اندیشه وجود ندارد (فلسفی، ۱۳۶۶: ۱۴۶).

مورد دیگر، توفیق درک محضر اشخاص خردمند است که موجب رشد خرد در آدمی می‌شود؛ چراکه رفتار عاقلانه، بر شخص اثر می‌گذارد. به سبب گرایش انسان به الگوهای برتر، ملاقات با فرد اندیشمند و خردمند موجب الگوگیری از او می‌شود و فرد را به سمت تفکر و تعقل سوق می‌دهد. از این رو، یکی از راه‌های پرورش قدرت عقلانی، تعامل با اشخاص خردمند است. مادران می‌توانند با مهیا کردن زمینه ملاقات و رفت‌وآمد و معاشرت فرزند خود با این افراد، زمینه توسعه و رشد عقلانی او را فراهم کنند.

مورد دیگر، مبارزه با نفس و مهار تمایلات نامشروع است. در قرآن کریم آمده است:

تقوای خدا پیشه کنید و خدا به شما آموزش علم و دانایی می‌دهد (بقره: ۲۸۲).

امام علی (ع) می‌فرماید:

سالک راه خدا، خرد خود را زنده گرداند و نفس خویش را می‌میراند (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۲۰).

همه این فرمایش‌ها، حکایت بر ارتباط میان این دو دارد؛ چراکه با مرگ نفس، عقل زنده می‌شود و با احیای نفس، عقل می‌میرد. تقویت معنویت و عبودیت، مؤثرترین راه برای رشد عقلانی و خردمندی است و یکی از هنرهای تربیتی مادر تشخیص موقعیت‌ها و انتخاب و استفاده از روش مؤثر در آن موقعیت خاص است.

علاوه بر این موارد، مادر با استفاده از روش مشاهده آفرینش و دعوت کردن فرزند به تفکر در آن، می‌تواند زمینه‌ساز رشد عقلانی و تفکر در او شود. مادر می‌تواند در فرصت‌هایی که با فرزند خود در طبیعت و دشت و صحرا قدم می‌گذارد و زیبایی‌ها و عظمت‌های آفرینش را مشاهده می‌کند، هم خود و هم فرزندش را به تفکر در این عظمت وادارد و به تعمق در این باره بپردازد. قرآن و نهج‌البلاغه، از این روش برای وادار کردن انسان به تعقل استفاده کرده و ذکر نمونه‌هایی از آفرینش مثل مورچه، خفاش، طاووس و شتر برای توجه و تفکر انسان است.

زندگی طاهر

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَهُهُ تُحْشَرُونَ: ای مؤمنان! ندای خدا و پیامبر را آن‌گاه که شما را به پیامی حیات‌بخش می‌خواند، اجابت کنید و بدانید که خدا میان انسان و دل او حایل و مانع [از نفوذ باطل] می‌شود و به حضور او گردآورده می‌شوید (انفال: ۲۴).

مادر در اسلام، درست مصداق این آیه از قرآن است. مادر وجودی مبارک است که مانع رسیدن پلیدی‌ها و زشتی‌های جهان خارج به فرزند می‌شود و او را از داخل رحم تا آن‌جا که می‌بالد و رشد می‌کند در سایه حمایت خود می‌گیرد تا گزندی از نجاسات و پلشتی‌ها نبیند (میرخانی، ۱۳۷۹: ۵۴).

طهارت در وجود مادر، از نقاط برجسته زن در این جایگاه است. البته این مسئله در بعد الهی مادر یکی از نکات کلیدی و محوری است.

اصالتاً در اسلام، ایجاد تفکر توحیدی در فرزند و القای وحدانیت به او، در زیر چتر طهارت وجودی معنا می‌یابد. البته در مبحث اصول، به شرح این نکته پرداخته می‌شود.

مادر، اهداف و مقاصد ابتدایی شریعت

همان‌طور که پیش‌تر آمد، این مقاصد در بخشی از متون آمده؛ چون «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵)، اما در حیطه مادری در این طبقه از مقاصد می‌پردازیم به خطابات ارزنده بزرگ‌ترین بانوی عالم هستی و نمونه مادران دنیا، حضرت زهرا(س)، حول نماز، روزه، حج، امامت، و نیکی به پدر و مادر. در واقع، بخشی از نصوص است که برای هریک از مقررات شرعی، و مستقل از دیگری، هدفی را بیان می‌کند.

مادر و وظایف عبادی

وظایف عبادی، که هریک به تنهایی هدفی را در حیطة مربوط به خود دارند، نماز و روزه و ذکر و مناجات و ... است. خداوند در قرآن، نماز را این گونه معرفی می کند:

نماز عالی ترین تجلی ذکر خدا و بازدارنده از زشتی ها و بدی هاست (عنکبوت: ۴۵).

بازداشتن از زشتی و بدی، یکی از اهداف متعالی تشریح فرمان نماز است. ممکن نیست انسان به تکبیر بایستد، حمد و ثنای خدا گوید، از او استعانت جوید، صراط مستقیم را بطلبید، در برابر عظمت او رکوع کند، برای قریش سجده کند و این اعمال را در شبانه روز چندبار انجام دهد؛ اما هیچ اثری از آن نبیند. حول روزه نیز خداوند در قرآن آورده است:

کتب علیکم الصیام ... لعلکم تتقون: روزه بر شما واجب است ... شاید که پرهیزکار شوید (بقره: ۱۸۳).

درواقع، اهداف ابتدایی، همان طور که از نصوص پیداست، احکام عام و فراگیرند که به مقاصدی در راستای کمال انسان نایل می شوند. داشتن روحیه مذهبی و اعتقادات و ایمان درست و سالم، گذشته از این که تأمین کننده سعادت انسان در زندگی اصلی و ابدی اوست، کمک کار بسیار خوب و تکیه گاهی مطمئن برای او در دستیابی به اهداف حیات کنونی اش است. خدانشناس واقعی و عارف به وظیفه، قطعاً بهترین مادر برای فرزندان و شایسته ترین همسر برای شوهر و صالح ترین و خدمتگزارترین فرزند برای والدین و مفیدترین انسان برای جامعه خود خواهد بود. اما مادر در ارتباط با وظایف عبادی در رأس محور تأثیرگذاری و اثربخشی است. مادر است که با اعمال تربیت دینی و مذهبی درست، فرزند را در سیر تربیتی اش به تعالی و جودی می رساند و چه خدمتی از این بالاتر که مادری بتواند از همان ابتدای دوران کودکی، شاهد حلاوت نماز و ذکر و یاد خدا را به فرزند خود بچشاند و آفریدگار او را به او بشناساند و جان او را با مبدأ هستی پیوندی پایدار بخشد؟ برای چنین مادری جز بهشت برین، چیزی پاداش حقیقی او نتواند بود (میرخانی، ۱۳۷۹: ۸۳).

درباره مزد چنین کسی، حضرت امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می فرماید که آن حضرت فرمودند: «هرکس فرزند خویش را ببوسد خداوند حسنه ای برایش می نویسد و هرکس او را خوشحال کند خداوند او را در قیامت خوشحال خواهد کرد و هرکس آیات قرآنی به او تعلیم دهد در قیامت آن والدین را می طلبند و دو جامه بهشتی به آنان می پوشانند که از نور آن دو، صورت های بهشتیان درخشیدن می گیرد» (حر عاملی، ۱۳۸۸: ۱۵ / ۱۹۴).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌ای که از مقاصد شرع و مادری در این حوزه ارائه کردیم، مقاصد شرعی را از حوزه‌های بنیادین اسلام، که نیازمند بررسی‌های بسیار در ارتباط با موضوع‌های متعدد است، یافتیم. مقاصد شرعی، برای پژوهشگر و محقق دینی امکان ورود مباحث متعدد به این حوزه و خروج از آن با مصالح اصولی شرعی را هموار می‌کند. ائمه (ع) و فقهای برجسته شیعه و سنی مقدم و متأخر به این نگره توجه عمیق و ریشه‌ای داشته‌اند.

در حوزه شریعت اسلامی، قانون‌گذار هستی به‌سبب جایگاه ریشه‌ای مادر در عالم طبیعت، برای او رسالت و جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته است که در این جایگاه بی‌بدیل، کسی همپای او نیست. رسالت مادر نیز، در راستای تحقق مقاصد و اصول و قواعد حکیمانه موجود در درون نظام قانون‌گذاری اسلام در زیست جهان است. به‌علاوه، جایگاه خطیر مادری و نقش اساسی او در نظام تکوین و تشریح او را، عقلا و شرعا، ملتزم می‌کند که به مقاصد شرعی توجه تام داشته باشد تا نظام جامعه انسانی از نقش محوری او سامان یابد.

پیوند مقاصد شریعت و مادری، تبلور تأثیر انکارناشدنی مادر در حفظ نسل و حفظ نفس و حفظ عقل و دین و مال، تأمین‌کننده مقاصد شرعی و اهداف خلقت، به‌صورت کلان و خرد است؛ بنابراین به جایگاه معرفت، بصیرت، عبودیت و عقلانیت مادر در شریعت مبین اسلام بسیار تأکید و توجه شده است.

بدین ترتیب، در راستای تبیین رسالت مادر در حوزه شرع، نتیجه می‌شود که رسالت عظیم مادر در حفظ دین، او را در جایگاه مربی و الگوی کودک، مشمول اعتقادی توحیدی می‌داند تا بتواند تربیت توحیدی کند. اعتقاد به توحید سهمی عمده و عظیم در نقش تربیتی مادران دارد. در حقیقت، این مادر است که در ذهن انسان از کودکی تفکری می‌نهد که فرد در بزرگی از آن به دفاع برمی‌خیزد. در حفاظت از نفس و نسل، وظیفه مادر فقط حفظ نفس حیوانی نیست؛ بلکه در حفظ نفس انسانی حتی وظیفه‌ای خطیرتر و مهم‌تر از نوع مادی بر دوش دارد. طهارت نفس مادر، طهارت زندگی را در نفس آدمی می‌دمد و این مصداق «فلنجینه حیوه طیبه» است. مصلحت حفظ عقل با توجه به موقع حساسی که دارد مسئولیت عظیمی بر دوش مادر می‌نهد؛ چراکه مادر است که از طفولیت بذر عقلانیت یا بی‌خردی و پوچی را در انسان می‌پروراند.

در این حوزه، نگارندگان با سطح‌بندی رسالت مادر از دریچه مقاصد شرع، به برترین سطوح تأثیرگذاری مادر پرداختند که در این میان، نقطه محوری این رسالت بر اهرام

طهارت مادر استوار است. به گونه‌ای که در حفظ مصالح نفس، نسل، دین، عقل، و حتی مال طهارت مادر حرف اول را در شرع اسلام می‌زند؛ چراکه مادر امانت‌دار الهی و حائز پایگاهی ارزشی است. بر این مبنا برترین تکالیف مادر در حوزه تربیتی، حفاظت از طهارت فکری و جسمی فرزند برای به‌ثمررساندن اوست.

بدین ترتیب، در ارتفاع دغدغه‌مندی درباره سعاد و هدایت جامعه، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران جامعه برای جایگاه مادری و حفظ کرامت و سلامت و امنیت او، تمهیدات لازم را مهیا کنند و بنیادهای فرهنگی اسلام مربوط به مادر و جایگاهش در حوزه مقاصد شرعی را در جامعه در قالب الگویی دست‌یافتنی با پلان‌های نظام‌یافته ارائه کنند.

پی‌نوشت

۱. «شخصی از امام رضا(ع) سؤال کرد: «به من بگوئید آیا می‌توانم بدون معنا و دلیل، بنده دانایی را به کاری وادارم؟» جواب فرمودند: «نمی‌توانی چنین کنی؛ زیرا فرد دانا، جاهل و پریشان‌فکر نیست.» پس گفت: «آیا می‌توانم عوام را به کاری وادارم؟» پاسخ دادند: «با آوردن دلیل می‌توانی.» پس گفت: «مرا از دلایل شناخته‌شده و موجود و یا ناشناخته و نهان آگاه می‌سازید؟» سپس فرمودند: «دلایل شناخته‌شده و موجود نزد اهل آن است.» پس گفت: «آیا شما به این دلایل آگاهید؟» امام به ایشان فرمود: «برخی از این دلایل نزد ما آشکار است و برخی بر ما نهان ...».
۲. یا ایها الذین امنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ویکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم والله ذو الفضل العظیم (انفال: ۲۹).

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
ابن عربی، محی‌الدین (۱۳۶۵ق). *فصوص الحکم*، بی‌جا: دارالفکر العربی.
انصاری، مرتضی (۱۴۲۱). *المکاسب*، قم: احسن الحدیث.
الآمدی، علی بن محمد (بی‌تا). *غرر و درر*، بیروت: المکتب الاسلامی.
الآمدی، علی بن محمد (۱۴۰۲ق). *الاحکام فی اصول الاحکام*، ج ۴، بیروت: مکتب الاسلامی.
برنارد، جان (۱۳۸۴). *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشرنی.
حراعلمی، محمد بن الحسن (۱۳۸۸ق). *وسائل الشیعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۹). *فص حکمة عصمتیه فی کلمه فاطمیه*، تهران: نشر طوبی.

عزت‌السادات میرخانی و دیگران ۱۴۱

- دیوار، سیمون (۱۳۸۰). جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی.
- ریسونی، احمد (۱۳۸۸). اهداف دین از دیدگاه شاطبی، مترجمان: سید حسن اسلامی و سید محمدعلی ابهری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شاطبی، ابواسحاق (۱۴۲۳). الموافقات فی اصول الشریعة، ضبط و تعلیق دزار، بیروت: دارالمعرفة.
- شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۵). سیاست جنایی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- شعبان، زکی‌الدین (۱۹۶۸). اصول الفقه الاسلامی، بی‌جا: دارالنهضة العربیة.
- العالم، یوسف حامد (۱۹۹۴). المقاصد العامة للشريعة الاسلامیة، بیروت: الدار العلمیة للکتاب الاسلامی.
- علال الفاسی (بی‌تا). مقاصد الشریعة الاسلامیة و مکارمها، الدار البیضاء.
- الغزالی الطوسی، محمد بن محمد (۱۴۱۷ق). المستصفی من علم الاصول، تحقیق و تعلیق: سلیمان الأشقر، بیروت: مؤسسه الرساله.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۶). گفتار فلسفی، تهران: نشر آزادی.
- قائمی، علی (۱۳۸۴). نقش مادر در تربیت، تهران: امیری.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، لبنان: مؤسسه الوفاء.
- محقق حلی، جعفر بن الحسن (۱۴۱۰). شرایع الاسلام، ج ۴، بیروت: دارالزهراء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). ختم نبوت، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). یادداشت‌های استاد مطهری، تهران: صدرا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۳). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: ستاد بزرگداشت یکصدمین سال تولد امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). صحیفه امام، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۸۲). «زن توسعه مقاصد شرعی»، مجله ندای صادق، ش ۱۹.
- میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۷۹). رویکردی نوین در روابط خانوادگی، تهران: سفیر صبح.